

# توی سرم بنگ بنگ می کنند

## شهرام انتخابی

گالری آران، خرداد ۱۳۹۰

شهرام انتخابی، هنرمند ایرانی ساکن برلین آثار نقاشی، مجسمه و ویدئوچیدمان خود را در گالری آران در نمایشگاهی با عنوان توی سرم بنگ بنگ می کنند به نمایش گذاشت. موضوعات مرتبط با اندیشه پسااستعماری مانند نژاد، مهاجرت و مذهب، که از تجارب زندگی و فعالیت حرفه‌ای وی به عنوان یک هنرمند مهاجر در کشوری غربی نشأت گرفته، محور اصلی آثار وی را تشکیل می‌دهند. مخاطب آثار او مرد سفیدپوست غربی است، که دیدی محورگرا<sup>۱</sup> نسبت به مهاجران (در اینجا اغلب از خاورمیانه) دارد.

انتخابی هنرش را به عنوان تنها قلمرو ابراز وجود و تنها بستر قدرت‌ساز برگزیده. او ویدئوهای ساخته‌شده در فضاهای شهری غربی را در برابر انسان غربی که همواره با بی‌اعتنایی از کنار شخصیت‌های اصلی‌اش گذشته‌اند قرار داده و آنها را وادار به دیدن کرده است. ویدئویی چهارگانه از انتخابی، شخصیت‌های بازنامی‌شده از مردانی مهاجر، از اقلیت‌های دینی و حزبی و نژادی به نام‌های ملادن<sup>۲</sup> (از مجرمان بالکان)، ستاره اسلامی<sup>۳</sup> (مسلمانی افراط‌گرا)، محمت<sup>۴</sup> (عضوی از گروه کارگران کرد<sup>۵</sup>) را در فضاهای عمومی پرتردد شهری نشان می‌دهد. ملادن با القای حس برتری جنسیتی خود، سعی در ایجاد رعب و وحشت و جلب توجه در معابر عمومی دارد. ستاره اسلامی تسبیح‌زنان و بی‌هدف در خیابان‌ها پرسه می‌زند و به قصد دیده‌شدن در مکان‌هایی نامناسب توقف می‌کند؛ و محمت به‌سسته‌آمده از فرط تنگناهای موجود، تن به خودسوزی در ملأ عام می‌دهد. تنها شخصیت به‌تصویردرآمده در محیط بسته میگوئل<sup>۶</sup> (پارتیزانی غیرنظامی) است که با نگاه خیره به دوربین و خنده‌هایی فزاینده قصد گمراه کردن و استهزای برداشت احتمالی بیننده از هر حرکت وی به عنوان پیش‌درآمد عملی تروریستی دارد. حرف «م» مشترک در اول اسامی آنها دلالتگر کلماتی است که درون‌مایه آثار انتخابی را تشکیل می‌دهند: مردانگی، مسلمان، مهاجر، میدل‌ایست (خاورمیانه)، ماینوریتی (اقلیت) و میمیکری (همگونی).

دیگر درون‌مایه آثار انتخابی بر محور التقاط فرهنگی و تفاوت‌های فرهنگی پایه‌گذاری شده. در ویدئویی دوقسمتی، حاجی فیروز در کنار دلکی<sup>۷</sup> غمگین با زدن دایره‌زنگی و خواندن شعر مرسومش سعی در شادکردن و متقاعدکردن او برای نادیده‌گرفتن غم معیشت دارد. تلاشی که تا به انتها ناکام می‌ماند و بر بار مطالبه‌ای اثر می‌افزاید.

ویژگی متمایزکننده ویدئوهای انتخابی شخصیت‌پردازی و ایفای نقش‌های متفاوت با بازی شاخص هنرمند است. او برای آماده‌شدن برای نقش‌های مورد نظر گاه پروسه طولانی تغییر چهره و ظاهر را طی می‌کند.

از دیگر آثار انتخابی در این نمایشگاه نقاشی‌های زمینه‌محوری<sup>۸</sup> بود که در لاهور پاکستان با همکاری نقاش پوستر فیلم‌های «لالی‌وودی»<sup>۹</sup> خلق شدند. در این نقاشی‌ها انتخابی در نقش قهرمان این فیلم‌ها ظاهر و از طریق از آن خودسازی<sup>۱۰</sup> بار دیگر ویژگی همگون‌شدن با فرهنگی بیگانه را متذکر می‌شود. در حاشیه این نمایشگاه ویدئوی زمینه‌محوری نیز با درون‌مایه تداوم چرخه «خشونت»، از اجتماع به گروهی کوچک



و بسط‌یافتن دوباره آن به اجتماع و بالعکس، با مشارکت هنرمندان جوان و کارگردانی شهرام انتخابی تولید شد و به نمایش درآمد.

روایت‌پردازی از ویژگی‌های مشترک آثار انتخابی با رسانه‌های متفاوت است. طراحی‌های انتخابی در این نمایشگاه به شیوه‌ای خام‌دستانه حول محور خودانتقادی فرهنگی به روایت‌سازی و نقد روابط قدرت با موضوع مناقشه‌برانگیز «نفت» می‌پردازند. موجودات تلفیقی او در چرخه‌ای طنزآمیز در پی هم به رقابت بر سر تثبیت جایگاه و منفعت خویش‌اند (این آثار در ویدئوچیدمانی در قاب تلویزیونی طراحی‌شده به شکل شهرفرنگ نیز به نمایش درآمدند). او در آثار طراحی خود از خط و نوشته به شیوه منحصربه‌فردی استفاده کرده، به گونه‌ای که در اثر ملانصرالدین فیگورهای سوررئال و تلفیقی انسان-حیوان، کلمه «ملانصرالدین» را تشکیل می‌دهند و روایت‌ها و قصه‌های کنایی از ادبیات شفاهی را یادآور می‌شوند که در دنیای معاصر نیز مصداق دارند.

ویژگی شاخص آثار انتخابی استفاده از طنز آمیخته با اغراق است. انتخابی با تأثیر از اندیشه‌های بودریار، راه برخورد با وضعیتی را که به عنوان مهاجر درگیر آن است، متوسل شدن به طنز از طریق ارائه آثار هنری دانسته تا بدین‌وسیله واقعیات تلخ زندگی تحت سلطه غرب، در محیطی که فرد مهاجر در آن ناگزیر از پذیرش تبعیض‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و عادت کردن به همگونی با آنهاست، قابل تحمل شوند و آزرده‌گی‌ها تسکین یابند. ■

ایما شاهدنه

پی‌نوشت‌ها:

- 1- canonical
- 2- Mladen
- 3- Islamic Star
- 4- Mahmet
- 5- PKK (Kurdistan Workers Party)
- 6- Miguel
- 7- Bajazzo
- 8- context-specific
- 9- Lallywood
- 10- appropriation

1, 2- View of the exhibition, 2011, Aaran Gallery.

۱ و ۲- نمایی از نمایشگاه، ۱۳۹۰، گالری آران.



# THEY GO BANG BANG IN MY HEAD

## SHAHRAM ENTEKHABI

AARAN GALLERY, JUNE 2011

Shahram Entekhabi, an Iranian artist living in Berlin, exhibited his paintings, sculptures and video installations in Aaran Gallery under the title of *They Go Bang Bang in My Head*. Post-colonial issues like race, immigration and religion, all part of his experience as an immigrant artist in western society, are the central themes of his artworks. His target audience is “the western white man” who has a canonical view towards migrants (here mostly from the Middle East).

Entekhabi has selected his art to be his only form of self-expression and the sole power-making tool. He has made the western man see through his videos, made and produced in western city spaces, what they always remained unaware of. A four-part video of his, shows about immigrant men from religious, racial and party minorities, named *Mladen* (a Balkan criminal), *Islamic Star* (an extremist Muslim), and *Mahmet* (a member of the Kurdish Workers Party PKK), in crowded spaces of the city. *Mladen* tries to spread terror and attract attention in public places through his sense of sexual superiority. *Islamic Star*, holding a rosary, wanders around aimlessly and halts in improper places so as to be seen; and *Mahmet*, frustrated by his hard conditions, burns himself in public view. The only person shown in a closed place is *Miguel* (a civilian partisan) who, by gazing into the camera and laughing incessantly, tends to ridicule the possible reactions of the audience at his every movement which seem to be the preparation for a terrorist act. The common letter “M” of these names signals the words that construct the main themes of his selected works: manliness, Muslim, migrant, Middle East, minority, and mimicry.

Another theme in Entekhabi’s works is hybridity and cultural difference. In a two-part video, we see Haji Firouz<sup>1</sup> next to a sad Bajazzo. Haji Firouz plays tambourine and sings his conventional songs in order to convince the Bajazzo to forget the grief of his subsistence life, an attempted act that brings no result in the end and hence amplifies the satirical air of the video.

A characteristic trait of these videos is the multiple different roles the artist plays in each video. He sometime undergoes a long process of make-up to play a role.

Among the works selected are those context-specific paintings which the artist made in Lahore, Pakistan, with the aid of a Lollywood film poster artist. In these paintings Entekhabi plays the roles of the films’ leading actors

by appropriating them and hence proposing again the notion of conformation with foreign cultures. As a marginal work to the exhibition, Shahram Entekhabi produced and displayed a context-specific video with the collaboration of young artists<sup>2</sup>, showing the theme of the influence of a small group’s “violence” on society and vice versa.

Narration is a common trait in Entekhabi’s works in various media. His drawings, done not very skillfully, are about cultural self-criticism and emerge as narrations on, and criticisms of, power relations and the controversial issue of “oil”. His combined creatures are confined in a ridiculous loop in which they fight with each other about their benefits and positions (these works were also displayed in the form of a video installation set in a TV frame, reminding one of the old Iranian visual entertainment *Shabr-i Farang*<sup>3</sup>). In his drawing he has utilised scripture and text in a unique method. For example in *Mulla Nasruddin* his surreal figures and combined human-animal creatures are set in such a way to make the words “Mulla Nasruddin”<sup>3</sup> and ironically depict the folkloric tales that have proven to be still true in the contemporary world.

The prominent characteristic of Entekhabi’s works is their exaggerated irony. Appealing to the ideas of Baudrillard, Entekhabi thinks of the best way for a migrant artist to offer and execute irony in his works so that he can face the bitter truth of living in a western society and find a way to bear the burden of living under conditions of discrimination, cultural difference, and conformation. ■

Ima Shahandeh

Endnotes:

- 1- Haji Firouz is a Persian pre-Islamic clown. This persona symbolically urges a *carpe diem* philosophy and the pursuit of happiness, especially in the Nourooz period.
- 2- A traditional Iranian peep box made out of metal, in the shape of an oriental castle, with several holes that viewers could see a set of images through. They could simultaneously listen to the narration of the storyteller describing the images. Entekhabi’s *Shabr-i Farang* is a contemporary representation of the original one.
- 3- He is a satirical Sufi figure, sometimes believed to have lived during the Middle Ages (around the 13<sup>th</sup> century) and considered a populist philosopher and wise man, remembered for his funny stories and anecdotes. He appears in thousands of stories, sometimes witty, sometimes wise, but often, too, as a fool or the butt of a joke. (<http://en.wikipedia.org/wiki/Nasruddin>)

